



خزوه می پژوهشی:

گذری بر سیره علمی امام رضا (علیه السلام)

معاونت پژوهش مدرسه علمیه عالی حضرت

ولی عصر (عج) شهرستان کرمی

## مقدمه:

دورانی که امام رضا(علیه السلام) در آن می زیست عصر شکوفایی علم و سرازیر شدن علوم مختلف ملل سرزمین ها و تداخل فرهنگی مردمان آن روزگار بود. در این زمان پیشرفت علوم باعث پیدایش افکار و عقائد انحرافی و مشرب های فکری گوناگون کلامی و فلسفی شده بود که همین امر، چالشی جدی در برابر عقائد و آموزه های ناب اسلامی و شیعی به شمار می رفت. امام رضا(علیه السلام) با درک این خطرات و تهدیدها از فرصت پیش آمده نهایت بهره برداری را به عمل آورد و به روشنگری های فراوان در زمینه تبیین عقائد اسلامی و نمایاندن راه مستقیم الهی اقدام نمود .

## عصر رونق علمی

در روزگاری که امام رضا علیه السلام می زیست مسائل علمی خاص رونق گرفته و با امور سیاسی و اجتماعی به هم تنیده بود. امام در این زمان از نظر سیاسی کاملاً محدود و قیام های اجتماعی علیه حاکمان عباسی روبه فزونی گذاشته و بحران های فکری و سیاسی بر جامعه حاکم بود.

عوامل مختلفی در نشاط علمی عصر امام رضا(علیه السلام) مؤثر بود از جمله بحران های فکری و ورود ملل مختلف به اسلام و وجود فرقه های مذهبی که با افکار مختلف سؤالات خود را به ساحت اسلام عرضه می کردند. از طرفی سرزمین اسلامی وسیع بود و مهاجرت ها از ملیت های مختلف در این جغرافیای بزرگ آزاد بود، که سبب تبادل افکار به شکل گسترده ای می شد. این افکار برای پاسخ یافتن، بیشتر به مکتب ائمه(ع) علیهم السلام) رجوع می کرد و پاسخ می گرفت و از سرچشمه علوم به تولید علوم مختلف منجر می شد. چنانکه در صدر اسلام پس از پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) امیر مؤمنان(علیه السلام) تنها فردی بود که از عهده پاسخ واقعی پرسشگران برآمد.

در دوره عباسیان بیان مسائل کلامی و عقلی و فلسفی پررونق و گرایش عمومی در جامعه به عقل گرایی بیشتر بود. معتزله در این بستر اجتماعی شکل گرفت و مورد حمایت خلیفه عباسی واقع شد. این گرایشات، جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می داد تا مردم نیز به این علم گرایش داشته باشند. امام رضا(علیه السلام) نیز در این دوره شیعه را از جهات تعقل، تقویت می کرد.

از عبدالسلام هروی نقل شده که به مأمون اطلاع دادند، امام رضا(علیه السلام) مجالس کلامی تشکیل داده و بدین وسیله مردم شیفته آن بزرگوار می شوند. مأمون به محمدبن عمر طوسی مأموریت داد تا مردم را از مجلس آن حضرت طرد نماید. پس از این قضیه امام به مأمون نفرین کرد.

از مسائل مهم اندیشه علمی اسلام که قرن ها برسر آن، میان علما اختلاف بود، عقل گرایی در مسائل دینی است که سبب پیدایش فرقه های متعددی در جهان اسلام شده است. در عصر امام رضا(علیه السلام) نیز منازعات معتزله و اشاعره و فرقه های دیگر رواج داشت، بیت الحکمه تأسیس و با ترجمه آثار یونانیان افکار فلسفی و عقلی به جهان اسلام وارد شد و همین امر علمای اسلامی را به تکاپو واداشت تا پاسخ این شبهات و سؤالات را بیابند.

دوره مأمون اوج منازعات کلامی بود. بعد از مأمون نیز این بحث ها تا قرن ششم و هفتم در بین علما و دانشمندان وجود داشت. معتزله تأثیرات علمی و فکری در جهان اسلام به وجود آوردند، عقل گرایی معتزلی به نوبه خویش جامعه اسلامی را در مقابل افکار وارداتی مسلح نمود، اگرچه افراط و تفریط نیز در کار آنها سبب می شد آسیب های فکری داشته باشند. در کل رویکرد مناسبی در مقابل سلفی گری خشک و متصلب و قشری گری در اسلام بود و بهترین پاسخی بود که در این زمان از سوی جمعی از دانشمندان اسلامی برای رویارویی با این جریان انجام گرفت. درواقع اعتزال در جهان اسلام واکنشی برای رفع نیازهای زمان بود.



اما حقیقت این است که جهت گیری عملی و علمی ائمه بود که با اندیشه های سلفی و انحرافی به شدت برخورد و مبارزه می کرد. امام رضا(علیه السلام) در این دوره از اسلام اصیل و اندیشه های ناب پیامبر اکرم(ص) دفاع کرد، و با استفاده از ابزارها و مقتضیات زمان، این وظیفه الهی خود را عملی کرد. اندیشه های کلامی (مثل اعتزال) در این دوره رواج و رونق داشت، اما انحرافات فراوان در آنها وجود داشت که به نام دین تمام می شد، لذا امام با این زمینه می خواست تصویر روشنی از اسلام ناب برای مردم ارائه کند، که از چند روش بهره برد:

### الف- روش علمی:

۱- پاسخگویی به شبهات علمی و عقیدتی مردم در زمینه های مختلف ۲- برگزاری جلسات علمی و تربیت شاگردان و نخبگان که حافظ و ناشر میراث علمی و عملی معصومان بودند ۳- شرکت در مناظرات علمی و کلامی که با حضور رهبران مذاهب و ادیان فراهم می شد.

### ب) روش عملی:

۱- دفاع از امامت در برابر واقفیان (کسانی که امامت امام رضا را قبول نکرده و باور به زنده بودن امام کاظم(علیه السلام) داشتند) ۲- مواضع کلامی در برابر مأمون ۳- ارتباط با مردم و حضور در جمع آنها. آنچه منظور نظر این نوشته است نقش امام رضا(علیه السلام) در ترویج عقائد کلامی است که به نکاتی در این خصوص اشاره می شود:

### مباحث کلامی امام رضا(علیه السلام)

#### آفرینش

برخی از مادیون برای آفرینش، آفریننده ای قائل نیستند و اساس افکار آنها بر روی همین فکر و اندیشه شکل می گیرد لذا درباره تمام مسائل بر محور مادی بحث و نظر می دهند چنانکه مکاتب سرمایه داری امپریالیستی امروز نیز چنین تحلیلی از هستی دارند.

در عصری که آن حضرت زندگی می کرد عده ای بر این نظریه معتقد بودند. لذا مباحثی پیشامد می نمود و آن حضرت نظر خود را درباره مبادی جهان و علل حدوث و آفرینش بیان می فرمودند، این گروه در آن دوره به زنادقه معروف بودند.

روزی جماعتی از زنادقه به حضور حضرت رسیدند و درباره خداوند سؤال کردند و حضرت آنها را مجاب فرمود و درباره مسائل فلسفی نظیر این و کیف و ادراک و حس، در مورد خداوند بحث و درباره نظم حاکم بر آفرینش و وجود انسان و کیهانشان سخن گفتند.

فردی درباره حدوث عالم در آفرینش سؤال کرد آن حضرت پاسخ داد تو پیش از این نبودی و خود می دانی که خودت را هستی ندادی و وجود خود را مادیون کسی هستی که او نیز محتاج به یک آفریننده است.

مسائلی از این قبیل درباره آفرینش و خلقت و حدوث و قدم عالم سؤال می کردند و آن حضرت پاسخ می داد اینها از مسائل عقلی و فلسفی بودند که بر اثر ترجمه دانش های یونانی در جامعه بروز کرده بود و برای مردم تازگی داشت، اگرچه این مباحث در کلام معصومین پیشین وجود داشت ولی چندان مطرح نبود و امام همه را احیا کرد.

### رؤیت خدا

درباره رؤیت خداوند نیز که از مباحث جدی و پرسرو صدای فرق مختلف بود، روایاتی از حضرت نقل شده از جمله ابومره روزی به حضور حضرت رسید و سؤال کرد: ما رؤیت خداوند و کلام او را تقسیم کردیم بین انبیاء: موسی و محمد.

حضرت فرمود: این ایده، هرگز درست نیست، او را چشم ها نبیند و علوم نتواند احاطه کند. با استناد به آیه ۱۰۹ سوره طه، فرمود: اگر چشم، او را ببیند ماهیت باید داشته باشد، یعنی علوم او را احاطه خواهد کرد، چشم باید او را هرگز نبیند بلکه با قلبش آیاتی از خداوند را مشاهده نماید. در این بحث آن حضرت به ماهیت با عبارت (صورت البشر) و احاطه علم به کیف و این اشاره فرموده است. امام با استدلال برهانی بر اینکه اگر خداوند به چشم دیده شود لازم می آید که محدود به زمان و مکان باشد و خدائی که محدود و دارای جسم باشد، باید عوارضی که بر جسم عارض می شود مثل پیری و مرگ به او نیز وارد شود، در این صورت با انسان فرقی نخواهد داشت. بنابر این ذات از این نسبت ها پاک است. چون چیز قابل مشاهده دارای ماهیت می شود که باید عوارض ماهیت بر او عارض گردد، لازمه دیگر جسمانیت و رؤیت، شرک است که باید خداوند شریکی داشته باشد در حالی که قرآن کریم و معارف دینی، خداوند را بری از شرک و جسمانیت و رؤیت دانسته اند، بنابر این افکار قائلین به رؤیت خداوند باطل و خرافه و نقیض قرآن و سیره و گفتار نبوی است.

امام رضا با این موضع گیری با استدلال و برهان فلسفی و کلامی به ابطال این نظریات پرداخت.

### نادرستی تصور جسم و مکان برای خداوند

برخی از فرقه های کلامی اهل سنت، مثل اهل حدیث می گفتند خداوند در عرش نشسته و مقداری نیز جای (به اندازه چهار انگشت) برای پیامبر در کنار خدا باقی می ماند تا در آن بنشیند. این نظریه را ابومسلم از اهل حدیث ارائه می کرد که نمونه ای از عقاید سخیف بود.

درباره عرش خداوند نیز نظریه خاصی داشتند. وقتی این مسائل در محضر حضرت رضا (علیه السلام) مطرح شد، به شدت برخورد کرد و فرمود: «من شبه الله بخلقه فهو مشرک و من و صغه بالمکان فهو کافر و من نسب الیه ما نهی عنه فهو کاذب» هر کس خدا را به مردم شبیه کند مشرک است و هر کس برای او مکان قرار دهد کافر و هر کس به او نسبت های ناروا بدهد دروغگو است.

در پایان کلام نیز با تلاوت آیه ۱۰۵ سوره نحل به قرآن کریم استناد فرمود.

یکی از شیوه های پاسخگویی به شبهات که امام رضا به کار می گرفت استناد به قرآن و کلمات و سیره پیامبر اکرم (ص) و خطبه های امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود که برای سؤال کننده قانع کننده و قابل قبول بود. اهل حدیث برای خداوند اعضا تصور می کردند، امام علیه (علیه السلام) با رد این تصورات تفسیر درستی از مسئله رؤیت ارائه کرد که اگر مخالفت امام نبود اسلام نیز مثل دین مسیح منحرف می شد و پیامبر مثل مسیح، پسر خدا نامیده می شد. (ریشه های بت پرستی در اسلام توسط ائمه خشکانده شده است).

### قضا و قدر و جبر و اختیار

این مسئله، از جمله مسائل مهم و ریشه دار دوره امام رضا (علیه السلام) بود که از صدر اسلام وجود داشت. امویان جبر را توسعه می دادند و طرفدار جبر بودند، لذا اهل حدیث نیز که ریشه آنها در زمان امویان شکل گرفته بود غالباً طرفدار این اندیشه بودند.

معتزله در مقابل آنها قائل به تفویض و اختیار کامل بودند، امام (علیه السلام) در این خصوص، به حدیثی از امام سجاد و موضع امام صادق (علیه السلام) استناد کرد و دیدگاه اهل بیت را مطرح و مفهوم آنرا برای آنان بیان کرد.

محمد بن ابی نصر بزنطی پرسید، برخی از شیعه قائل به جبر و برخی به تفویض (اختیار) شده اند، حضرت در پاسخ به او فرمود بنویس: «به نام خداوند بخشنده مهربان. فرمود: علی بن الحسین. ای فرزند آدم به مشیت من و به قدرت من فرائض را انجام می دهی و با نعمتی که به تو داده ام (قدرت) به گناه من اقدام می کنی تو را بینا و شنوا قرار داده ام، گناهان از تو و به اختیار توست، نیرویی که به تو دادم حسنات را بوسیله آن انجام می دهی و نسبت دادن کارهای نیک به شایسته است چون من قدرت را در تو برای اعمال خیر داده ام تا بوسیله نیروی الهی به تعالی برسی و به غایت آفرینش راهی یابی نه اینکه با معاصی از هدف و غایت آفرینش بازمانی...» امام (علیه السلام) در مقابل جبریه موضع سرسخت می گرفت و می فرمود: «کسانی که جبری هستند به آنها زکات و صدقات ندهید و شهادتش را نپذیرید».

و در کلامی دیگر می فرماید: هر کس قائل به جبر و تشبیه باشد (مشبهه)، کافر و مشرک است ما در دنیا و آخرت از او بیزاریم. به خاطر اینکه اینها فاسد العقیده می شوند، لذا شهادتشان مشروع نیست از این رو شهادت آنها باطل است.

فلسفه موضع گیری ائمه در برابر افکاری نظیر جبر این است که انسان را از حالت انفعال و سازش با ظلم و زندگی ذلت بار خارج می کند و لذا می کوشیدند بفهمانند که انسان بر سرنوشته خود، مختار و در دگرگون ساختن جامعه و پیشرفت آن. نقش مستقیم دارد که مضمون آیه کریمه: «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم... (رعد) می باشد. با در نظر گرفتن پیامدهای سیاسی و اجتماعی جبر برای انسانیت با آن مخالفت می کردند.



در زمینه جبر و تفویض دهها روایت مهم که در بردارنده مواضع امام رضا (علیه السلام) در مقابل این اندیشه است به ما رسیده است. اگر روشنگری های امام نبود، نه تنها اسلام از بین می رفت، بلکه با تفاسیر غلط، قرآن نیز در معرض تحریف قرار می گرفت.

بدین سان می بینیم تمام اصول مسلم اسلام از توحید و قرآن و نبوت و معاد توسط ائمه حراست شد در حالی که هیچ یک از مدعیان خلافت پیامبر این وظیفه را انجام نداده و نمی توانستند انجام بدهند، چون توانایی نداشتند، لذا خلفای واقعی پیامبر ائمه اند، که اگر در راس حکومت و سیاست بودند، مسلماً جهان اسلام گرفتار این همه معضل و بحران نبود.

علوم ائمه نیز با محدودیت کامل ترویج می یافت، چون از طرف حکومت ها محصور بودند و هیچ کس با آزادی نمی توانست به حضور آنها برسد و سوالات دینی خود را پاسخ بگیرد، همه ائمه تحت نظارت شدید و مراقبت های خلفای اموی و عباسی بودند. علت غیبت امام زمان (عج) همین جو اختناق بود. لذا از ولادتش جز معدودی آگاه نشدند.

### ایمان و کفر و مراتب ایمان

یکی از مباحثی که در عقاید فرقه ها مطرح شده و آنها بدون توجه به فضیلت ایمان، با علوم ناقص خود درباره آن نظر داده اند، مسئله ایمان است. برخی گفته اند بین ایمان و کفر جایگاهی است که نه کفر است نه ایمان. برخی گفته اند ایمان دارای مراتب و برخی آن را غیر قابل ترقی و نقصان دانسته اند. از اینرو ائمه علیهم السلام هر یک به مناسبت ضرورت و اقتضای حال، در این باره روایات فراوانی ذکر کرده اند که در منابع شیعه، این بحث بعنوان یک باب مجزا و یک بخش مهم ذکر شده است.

مرحوم مجلسی بخش هایی از بحار الانوار خود را به این موضوع اختصاص داده است. تاریخچه ورود این مباحث بصورت مجادله از مرجئه شروع شده، آنها بدون تامل در آیات قرآن گرفتار تناقض در این مسئله و تاخر عمل از ایمان و مباحثی از این قبیل شدند، لذا این مسئله یک بحث دامنه داری در اندیشه اسلامی شد و هر یک از فرقه ها، در این زمینه به ارائه نظریات خود پرداختند.

روایاتی نیز از امام رضا(علیه السلام) درباره این بحث وارد شده که شیعه و مسلمانان را به رأی صواب در این مسئله هدایت فرمودند، آن حضرت، ایمان را مقدم و افضل از اسلام و دارای درجاتی دانسته که برای کسب هریک از درجات، عمل لازم است. ذکر خصایص مؤمن و کسی که به درجه ایمان رسیده از جمله مواردی است که برای تبیین ایمان و درجات آن بکار برده شده. حضرت در تعریف ایمان با استناد به روایات رسول الله (ص) چنین فرمودند: ایمان شناخت قلبی و اقرار زبانی و عمل به ارکان است

### نبوت

یکی از موضوعات و مباحث مهم علم کلام پس از مباحث توحید، نبوت است که علمای اسلام در آن آرای مختلف داشته اند، مباحث کلامی امام در این باب دو دسته است: ۱- نبوت عامه ۲- نبوت خاصه. در بحث عامه از

مسائلی نظیر وجود نبی، تعریف نبی، عصمت نبی، نبوت عامه و نبوت خاصه، معجزات پیامبران و نسخ ادیان و مسائل دیگر بحث می شود.

از مهمترین مسائل کلامی که مورد اختلاف بین فرقه های اسلامی است «عصمت» انبیاء است، معتزله درباره عصمت انبیاء معتقدند که انبیا در دوره قبل از بعثت، گناه کبیره انجام می دهند و برخی از معتزله عقیده دارند که گناه صغیره را پس از بعثت نیز مجازند مرتکب شوند.

از جمله بزرگان معتزله ابوعلی جبائی و قاضی عبدالجبار هستند که طرفدار این نظریه ها می باشند اشاعره که قوشجی از بزرگان آنهاست عقیده دارند که انبیاء پس از بعثت از ارتکاب معاصی کبیره و صغیره منع شده اند. ولی گناهان صغیره غیر عمدی از آنها پس از بعثت از آنها سر می زند. برخی از فرقه های اهل سنت معتقدند که پیامبر، پس از بعثت نیز مرتکب گناه می شود. آنان این نظریه ها را با قصد تبرئه برخی از صحابه و بنی امیه ارائه داده اند تا افرادی چون معاویه و... را که مورد نفرین پیامبر بودند تبرئه کنند.

شیعه در این باره عقیده دارد که پیامبر اکرم(ص) قبل و بعد از بعثت از کبیره و صغیره چه عمداً و چه سهواً معصوم است. چون قائل شدن به عدم عصمت که معتزله و اشاعره به آن راه رفته اند، پیامدهای فراوان دارد. پیامدهای این نظریات، تمامی دست آوردهای انبیاء را می تواند زیر سؤال ببرد. لذا شیعه این عقیده را باتوجه به براهین منطقی و عقلی و با استفاده از پشتوانه های نقلی با استدلال، قبول می کند و طرفدار آن است، چون ائمه (ع) این روش را در مقابل شیعه قرار داده اند. آنها از مفاسدی که بر این اندیشه ها مترتب بود آگاه بودند و می دانستند تمام اصول اسلام را با این افکار می توان به زیر سؤال برد، چنان که می بینیم مستشرقین با این افکار چه اهانت ها به قرآن و پیامبر می کنند و عده ای مریض و مغرض از این انکارها سود می برند.

از امام رضا(علیه السلام) روایات زیادی در باب نبوت عامه وارد شده، بخشی از آنها درباره اثبات نبوت و ذکر انبیای بزرگ الهی است که به بیان خصوصیات آنها پرداخته و درباره نسخ کتاب های آسمانی آنها باوجود اسلام و رسالت انبیای اولوالعزم نیز روایاتی وارد شده که از جمله، پیامبران بزرگی چون آدم تا نوح، ابراهیم، اسماعیل، یوسف، موسی، یوشع، دانیال، خضر، سلیمان، عیسی و پیامبر اکرم(ص) مورد توجه است. امام رضا(علیه السلام) به پیامبر اسلام و ویژگی های آن حضرت بیشتر می پردازد و با طرح مسائلی، استمرار نبوت را در خاندان پیامبر تبیین می کند.

### پاسخ به شبهات در زمینه عصمت انبیاء

درباره عصمت انبیاء شبهات زیادی در محضر امام به صورت پرسش مطرح و امام به آنها پاسخ داده اند: روزی مأمون از امام پرسید: شما که انبیاء را معصوم می دانید، معنای این آیه چیست؟ فعصی آدم ربه فغوی. حضرت فرمود: این داستان قبل از پیامبری آدم بوده است و این گناه کبیره نیست. مأمون سؤال خود را درباره عصمت ابراهیم، موسی و دیگر انبیاء ادامه داد و از امام رضا(علیه السلام) پاسخ های بسیار قانع کننده ای شنید باتوجه به اینکه مأمون گرایش به اعتزال داشت، این سؤال و جواب، تمام عقاید معتزله را درباره عدم عصمت انبیاء ابطال نمود و مأمون فهمید آن چه را که برای خود درپیش گرفته (اعتزال) باطل و گمراه است.



پاسخ هایی که حضرت رضا(علیه السلام) به مأمون داد، مستند به آیات قرآن بود و سؤالات مأمون نیز از تفاسیر آیاتی بود که ظاهراً آنها شبه عدم عصمت پیامبران را نشان می داد لذا حضرتش آنها را به زیباترین بیان و شیواترین استنادات قرآنی پاسخ فرمودند، و مأمون به شگفتی فراوان از پیش حضرت خارج شد. در حالیکه روایتی از پیامبر درباره فضیلت خاندان امامت و رسالت زمزمه می کرد.

### برتری خاندان پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم)

روایاتی که از امام رضا(علیه السلام) درباره پیامبر اکرم وارد شده ناظر به برتری آن حضرت و خاندان آن حضرت از تمام موجودات و انبیاء است، و اینها به خاطر شبهاتی بود که امویان و عباسیان درباره اهل بیت مطرح می کردند و خاندان پیامبر و ائمه را با افراد عادی مقایسه می نمودند. آن حضرت روایتی نقل می کند، از امیر مؤمنان(علیه السلام) که از پیامبر سؤال کردم، یا رسول الله تو برتری یا جبرئیل، فرمود: یا علی خداوند پیامبران را برتر از ملائکه و مرا برتر از انبیاء قرار داده و برتری بعد از من از آن تو و جانشینان تو (از ائمه معصوم) است و ملائکه خدمتگزار ما و دوستان ما هستند، حاملان عرش که تسبیح خدا می گویند از جانب کسانی که ولایت ما را قبول کرده اند استغفار می کنند.

ای علی اگر ما نبودیم آدم و حواء و بهشت و دوزخ و آسمان ها و زمین آفریده نمی شد. ما بدین جهت از ملائکه برتریم که از نظر معرفت خداوند و تسبیح و تهلیل او از آنها سبقت جسته ایم چون اولین چیزی که خداوند آفرید ارواح ما بود که به وحدانیت خدا و ستایش او سخن گشودیم...

### پاسخ به شبهات امامت

اولین اختلاف در اسلام پس از رحلت رسول اکرم(ص) پیرامون مسئله امامت و خلافت بود و برسر همین مسئله مردم دو دسته شدند: فرقه ای پیروی علی(علیه السلام) کردند و شیعه علی نامیده شدند، و فرقه ای راه دیگر گرفتند و تابع خلفاء و دیگران شدند. پس از گذشت زمانی از دوران خلفا بر سر این مسئله اختلاف شد که جانشین پیامبر را خلیفه باید دانست یا امام؟

مسئله دوم نیز پیش آمد و آن اینکه مرجع مسائل علمی پس از پیامبر چه کسانی هستند؟ آیا خلفا، علمای زمانشان بودند، و می توانستند مثل پیامبر تمام سؤالات دینی را پاسخ بدهند و هم شأن و دارای مقام معنوی مثل پیامبر باشند؟ یا مردم به کسی دیگر مراجعه می کردند؟ و یا اگر خلفا پاسخ می دادند، چگونه پاسخ می دادند و منبع پاسخگویی آنها چه بود؟

تاریخ نشان می دهد، سؤالات علمی را پس از پیامبر غیر از علی(علیه السلام) کسی قادر به پاسخگویی نبود! لذا یکی از مباحث اختلاف برانگیز علمی و غیرعلمی (سیاسی) این بحث بود و خون های بسیاری برسر این مسئله ریخته شد. درحالی که پیامبر اکرم(ص) این بحران ها را پیش بینی کرده و برای آن راه حل نشان داده و اهل بیت خود را بهترین راه نجات از تفرقه معرفی کرده بود که نادیده گرفتند. امام رضا(علیه السلام) نیز مثل

جدش امیر مؤمنان برای دفاع از امامت و جایگاه اهل بیت در عصر خود به اقتضای مباحث کلامی در زمینه های مختلف، مباحثی مطرح کرد و به شبهات عصر خود و همه اعصار پاسخ داد که به نمونه هایی اشاره می شود:

### ضرورت وجود امام در زمین

وجود امام در زمین ضروری است. در این زمینه از امام رضا(علیه السلام) ع) سؤالات مکرری شد و از سوی واقفه که فرقه ای از شیعه بود شبهات فراوانی درباره امامت آن حضرت و استمرار امامت و غیبت امام و مسائل دیگر امامت مطرح گردید، آن حضرت همه را پاسخ دادند.

بحث امامت و حجت و ضرورت آن در روی زمین که در قرآن از آن به خلافت الهی تعبیر شده، مباحث کلامی ای بود که از سوی شیعه و غیرشیعه از امام پرسیده شد و آن حضرت در پاسخ آنها با تأکید می فرمود زمین بدون امام نبوده و نخواهد بود. در غیر این صورت اهل خود را فرو می بلعد. بدون حجت الهی ادامه حیات برای هستی مقدور نیست، چون خداوند نظم هستی را چنین قرار داده. تعداد پانزده روایت از امام رضا(علیه السلام) درباره ضرورت و وجود امام و حجت در زمین رسیده است.

روایاتی که از امام درباره امامت وارد شده ناظر به مسائل مختلفی است از قبیل اینکه: فرق بین پیامبر و امام و جایگاه ائمه چیست و هرکس که امام زمان خود را شناسد در مرگ جاهلی از دنیا خواهد رفت. امامت، خلیفه پیامبر است و ودایع رسالت و علوم او در پیش امام است.

در این باره کسی از امام رضا(علیه السلام) سؤال کرد آیا شمشیر رسول خدا در پیش شما است؟ آن حضرت به صراحت جواب نوشت؛ در پیش من است.

همچنین درباره اینکه اطاعت از ائمه مثل اطاعت از پیامبر، واجب است و دفاع آن حضرت از امامت خویش در مقابل واقفه.

### عصمت امام

یکی از مسائل در باب امامت، که در روایات امام رضا(علیه السلام) مطرح شده عصمت امام است. چون امام جانشین پیامبر در میان امت است و عصمت نبی ضروری است. جانشین نبی نیز باید مثل خودش، با آن ویژگی باشد لذا عصمت امام نیز از جمله مسائلی بود که بین فرقه های اسلام مورد بحث و اختلاف بود.

علمای بزرگ اهل سنت، عصمت را در امام شرط نمی دانند، چون امامانی که آنها به آن قائلند، معصوم نیستند. فرقه ای از اهل سنت امامت را در قریش و فرقه ای به امامت مفضول با وجود فاضل قائل شدند تا خلافت ابوبکر و دیگران را توجیه کنند. معتزله نیز به این نظریه معتقد بودند. آنها آراء خود را براساس توجیه مآوقع بنیاد نهادند درحالی که اندیشه سیاسی اسلام، براساس آن چه که در قرآن و پیامبر(ص) ترسیم شده باید تبیین شود. نه براساس آن چه که دیگران انجام داده اند و واقع شده.

شیعه عقیده خود را در امامت از ائمه با استناد به نص پیامبر و قرآن کریم می گیرد؛ ائمه نیز این اندیشه را در طول تاریخ صیانت نموده اند. در عصر امام رضا(علیه السلام) ع) از جمله مباحث مطروحه همین بحث بود که

آن حضرت باتوجه به این جو با شیوه ثابت خود، شبهات وارده بر دین و امامت را پاسخ می فرمودند، از این رو آن حضرت در روایاتی طولانی، اوصافی برای امام ذکر می کند که در هیچ مخلوقی یافت نمی شود. کلینی از عبدالعزیز روایت کرده: روز جمعه در مسجد جامعه مرو بودیم درباره امامت و فرقه فرقه شدن مردم صحبت شد. که حضرت با تبسم وارد شد و شروع کرد به تشریح امامت و مطرح کردن بحث غدیر و اوصاف امامت با این جملات ... «الامام یحل حلال الله و یحرم حرام الله و یقیم حدود الله... البدر المنیر... المطهر من الذنوب و المبرأ عن العیوب... واحد دهره... ولا یوجد منه بدل ولا له مثل ولا نظیر مخصوص بالفضل کله من غیر طلب منه له و لا اکتساب»...

حضرت در این حدیث به بیان اختیارات و ویژگی های امامت می پردازد: از جمله ۱-حلال خدا را حلال و حرام خدا را حرام می نماید (قدرت تشریح و قانون گذاری) ۲-اقامه حدود الهی می کند (برقراری حکومت و ایجاد تشکیلات لازم برای این امر چون اقامه حدود) ۳-امام بسان ماه تابان است ۴-پاک از گناهان (عصمت) ۵-نظیری ندارد (هر زمان یک امام وجود دارد) ۶-فضایلش اکتسابی از دیگران (غیرامام) نیست.

### نصب امام توسط پیامبر به دستور خدا

در میان فرقه های اهل سنت این نظریه رواج داشت که خلیفه توسط اجماع امت یا شوری و... از میان قریش یا... انتخاب می شود و فرقه هایی از شیعه نیز قائل به امامت مفضول باوجود فاضل بودند. شیعه از دیرباز با استناد به قرآن کریم و آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک... و الیوم اکملت لکم دینکم و رضیت لکم الاسلام دینا..» معتقد است که پیامبر در واقعه غدیر این دستور خدا را به اجرا گذاشت.

از جمله موضوعاتی که امام رضا(علیه السلام) به آنها پرداخت، تأکید بر واقعه غدیر و امامت و فضایل امیر مؤمنان بود که باتوجه به نیاز جامعه و فراهم شدن فضای مناسب در میان مردم مباحث مطرح می کرد و به اثبات حقانیت خلافت علی(علیه السلام) در مقابل نظریه تقدم مفضول بر فاضل می پرداخت. چنان که نقل شده مأمون نیز این بحث را با علمای اهل سنت مطرح و آنها را در این زمینه با اقامه ادله برهانی ساکت و نظر آنها را باطل و برتری و امامت امیرمؤمنان علی(ع) را بر آنان اثبات کرد.

امام رضا(علیه السلام) در مقابل ناصبین، واقفیه، زیدیه و فرقه های منحرف از شیعه و فرقه های کلامی اهل سنت مثل اهل حدیث و معتزله روایاتی را که از پیامبر(ص) درباره دوستی و ولایت و امامت و برتری و وجوب اطاعت امیر مؤمنان بود، مطرح و تشریح می فرمود و بیشتر این مباحث در فرصت استثنایی حضور امام در مرو به وجود آمد، که حضرت توانست اصل امامت را مطرح و امامت و حجت بودن خود بر اهل زمان را به صراحت بیان کند، چنان که در حدیث، سلسله الذهب، پس از بیان توحید مسئله امامت خویش را مطرح و خود را از شرایط ورود به حصن الهی دانست که مردم گمان می کردند پس از توحید، نبوت و بعد از آن خلافت راه درستی است که انتخاب کرده اند. امام این گمان را باطل نمود و امامت را شرط اصلی تحقق توحید و ماندگاری راه رسالت بیان کرد.



از امام رضا(علیه السلام) در زمینه اثبات اساس امامت که از علی(علیه السلام) آغاز می شود ۷۳ روایت نقل شده علاوه بر آن که در مناظرات و پاسخ به سؤال ها این مسئله را مطرح و در هر فرصت این اصل را بیان می فرمود.

امام علیه السلام در احادیث خود به ترتیب از امامت عامه و اصل امامت مشروع، امامت خاص و ویژگی های امیر مؤمنان و سایر ائمه سخن می گفت و آشکارا خود را امام معرفی می کرد درحالی که زمینه در دوره های قبل به این صراحت فراهم نشده بود و لقب رضا به آن حضرت، به این مناسبت از طرف پیامبر اکرم(ص) داده شده است چون مقبول همه است؛ حتی مخالف بزرگی چون مأمون به امامتش اعتراف کرد. (امامتش بر همه امت حتی غیرمسلمانان هم ثابت شد.

### سایر مباحث امامت (تعداد ائمه و سایر ویژگی ها)

طرح مباحث کلی امامت و بیان عدد ائمه که ۱۲ نفر هستند با تصریح به اسم و القاب با نام مادرشان توسط امام رضا(علیه السلام) در راستای اثبات امامت و رد گروه های انحرافی و فرقه های باطل بود که خلفا و مصادیق دیگری برای ائمه تصور می کردند. امام در برخی از بیانات، نقش امام در جامعه را تبیین کرده و از این طریق محوریت امامت را ثابت می کند. درباره این موضوع شیخ صدوق علاوه بر اینکه در کتاب مهم اکمال الدین احادیثی ذکر کرده، در کتاب شریف عیون اخبار الرضا تعداد زیادی روایت درباره امامان دوازده گانه و ویژگی های آنها آورده است.

روشی که امام رضا(علیه السلام) برای حفظ اندیشه شیعه به کار گرفت و با اندیشه های کلامی انحرافی مبارزه نمود، هم سرکوب بود و هم مطرح کردن اندیشه امامت و هم خاموش نمودن آتش فتنه هایی که برای امامت و اندیشه تشیع مهیا کرده بودند. چنین روشی در طول تاریخ نظیر ندارد که جامع و مانع باشد. مأمون خود معتزلی مذهب و مدافع اعتزال بود امام او را هم از نظر علمی مردود کرد و هم از نظر علمی زمینه ای را برای قبول کردن ولایتعهدی ایجاد کرد که مأمون محکوم به غضب خلافت شد و امامت و خلافت به عنوان حقی غضب شده توسط گذشتگان (امویان و عباسیان) مطرح گردید. امام در این باره چنین فرمود: مأمون حق ما را شناخت و چیزی که دیگران انکار می کردند به من برگرداند و واگذار کرد و این خلافت بزرگ را به من واگذاشت اگر زنده بمانم، در اینجا امام علاوه بر مطرح کردن حقانیت خویش در امر حکومت که مأمون آن را برگردانده بود، به حيله مأمون نیز اشاره می فرماید (اقدام به کشتن امام) گرفتن اعتراف از دستگاه خلافت بر اینکه امامت حق مسلم اوست و خلافت و امامت متعلق به کسی است که او مصون از هر نوع لغزش است، هدفی بود که امام در ماجرای ولایتعهدی تعقیب می کرد و موفق هم شد، از این رو برای اشاعره و معتزله و تمام فرقه های شیعه نیز روشن شد که خلیفه، امام نیست و خلافت (مأمون و دیگران) حقی است غضب شده توسط آنها (عباسیان) که امام به آن رسید و مأمون به عنوان غاصب معرفی شد. بدین نحو امام با مدیریت بی نظیر در این بحران به سرکوب عقیده های باطل درباره امامت موفق شد.

این یک موضع صریح و آشکار از طرف امام در رد تمام افکار باطل درباره امامت بود. امامت اساسی ترین مسئله از مسائل کلامی است و بسیاری از علمای اهل سنت بر این باور بودند که خلافت با امامت یکی است و خلفای عباسی و اموی در حقیقت امام هستند و منشاء این مسئله را حل و عقد و شوری و قهر و غلبه و قدرت و استیلائی نظامی و... تلفی کرده، و اطاعت آنها را واجب می دانستند. مأمون با طرح مسئله ولایتعهدی در فکر از بین بردن امامت بود ولی موضع گیری امام، نتیجه معکوس به بار آورد و برای اهل تاریخ روشن شد که مسیر خلافت و مدعیان خلافت راه باطل رفته و حق اهل بیت پیامبر را ضایع نموده اند.

### مناظرات کلامی امام با رهبران مذاهب دیگر

امام رضا(علیه السلام) علاوه بر رفع نیازمندی های فکری و علمی شیعه و پیروان خود و زدودن شبهات از چهره اسلام اصیل و دفاع از ارکان اصلی دین و اصول آن مثل توحید، نبوت، قرآن و امامت و... در مناظرات کلامی و علمی برای هدایت آنها شرکت می فرمود. اگرچه مأمون در برگزاری این جلسات اهداف دیگری را دنبال می کرد که هرگز به آنها دست نیافت ولی حضرت در پی اهداف الهی خویش و انجام وظایف امامت بود. از این رو با آنها به مهربانی و نرمی و با استناد به کتاب های آسمانی و زبان خودشان، استدلال می فرمود؛ و از براهین عقلی مورد پذیرش عقول استفاده می کرد و از کتاب های آسمانی اهل کتاب پاسخ آنها را می داد و بر آنان چیره می شد.

البته هدف امام شکست دادن و چیرگی بر دانشمندان نبود بلکه چون خورشید روشنایی می داد و روشنایی و فروغ ذاتی برای همه انسان ها برابر است اگر چه میزان دریافت انسان ها و در معرض شعاع نور بودن مهم است، اما شکست خورده واقعی این مناظرات و مصاف های علمی کسی بود که به دنبال چیره شدن بر امام بود. و آن غیر از مأمون و جریان مقابل امامت نبود.

این جلسات علمی با راهنمایی و برنامه ریزی فضل بن سهل وزیر ایرانی مأمون انجام می گرفت که با حضور رهبران ادیان: یهود، مسیح، صابئین، زردشت (مجوس) طبیب رومی، متکلمین اسلامی مثل سلیمان مروزی متکلم بزرگ خراسان ملت های دیگر... برگزار می شد و نتایج علمی و تمدنی بسیار پر بار برای جهان اسلام داشت.

موضوعات بحث حضرت بر محور مباحثی مثل: ۱، نبوت ، ۲، توحید ، ۳، کتاب های آسمانی مثل انجیل ، ۴، نبوت پیامبر خاتم(ص) ، ۵، معجزات پیامبران ، ۶، حقایق دین زردشت، ۷، آفرینش و خلقت کرد ، ۸، مسئله بداء و اراده و مشیت و... بود.

در این مناظرات، حضرت پیروز شده و پیروان ادیان و مذاهب متحیر از علوم جوشان حضرت در برابر امام خاشع شده و گاهی به اسلام مشرف می شدند و در زمره یکی از بهترین مدافعان اسلام و پیرو مکتب اهل بیت قرار می گرفتند؛ مثل عمران صابی.

در این دوره امام رضا(ع) به نحوی سرآمد دانشمندان جهان شد که لقب عالم آل محمد(ص) گرفت و این لقب را مردم و اهل زمان و تمام دانشمندان معاصر به خاطر شایستگی و برجستگی بی نظیر علمی و اخلاقی به امام دادند. بدین گونه امامت، تنها نور فروزان خدا در زمین جهت نجات بشریت از گمراهی و ذلت شناخته شد. اگر نبود نور پرفروغ امامت در مقابل اندیشه های انحرافی، اسلام با گرفتار شدن در دام اندیشه های سلفی، وضعی بدتر از مسیحیت داشت و جز نامی قشری و خشک و احکامی متصلب و تشریفاتی و ظاهری، چیزی از آن باقی نمی ماند و هرگز دینی نبود که در مقابل استعمارگران و غارتگران و... به مبارزه و مقابله برخیزد. و ملت ها را برای مبارزه و ستیز با ظلم، بسیج کند.

پس از آنکه امام رضا(علیه السلام) بعد از پدر، مسئولیت رهبری و امامت را به عهده گرفت، در جهان اسلام به سیر و گشت پرداخت و نخستین مسافرت را از مدینه به بصره آغاز فرمود تا بتواند به طور مستقیم با پایگاههای مردمی خود دیدار کند و درباره همه کارها به گفتگو پردازد. عادت او چنین بود که پیش از آنکه به منطقه ای حرکت کند، نماینده ای به آن دیار گسیل می داشت تا مردم را از ورود وی آگاه کند تا وقتی وارد می شود، مردم آماده استقبال و دیدار او باشند. سپس با گروههای بسیار بزرگ مردم اجتماع بر پا می کرد و درباره امامت و رهبری خود با مردم گفتگو می فرمود. آنگاه از آنان میخواست تا از او پرسش کنند تا پاسخ آنان را در زمینه های گوناگون معارف اسلامی بدهد. سپس می خواست که با دانشمندان علم کلام و اهل بحث و سخنگویان، همچنین با دانشمندان غیر مسلمان ملاقات کند تا در همه باب مناقشه به عمل آوردند و با او به بحث و مناظره پردازند پس از پایان کار به مردم کوفه خبر میداد که تا سه روز دیگر نزد آنان خواهد بود و با پایگاههای خود تماس می گرفت و با بحث کنندگان و متکلمان و یهود و نصاری و کسانی که در آن زمان در جهان اسلام یک خط فکری داشتند، تماس می گرفت تا در هر باب گفتگو کنند. به گروه اخیر از آن روی توجه می فرمود و به جنبش و افکارشان اهمیت میداد که از راه ترجمه ها و مجادله های کلامی، توجه جهان اسلام را بخود جلب کرده بودند.

امام(علیه السلام) در این مسافرتها با همه گروهها و مکتبهای علمی، بحثها و گفتگوهای رنگارنگ می داشت. محمد بن عیسی تقطینی گوید: «مسائلی که از امام(علیه السلام) می پرسیدند گرد آوردم، به هیجده هزار مساله رسید که به آنها پاسخ گفته بود.» «ابراهیم بن عباس صوری» می گوید: «هرگز ندیدم که از رضا(علیه السلام) پرسشی کنند و او پاسخ آنرا نداد.»

پدران رضا(علیه السلام)، به همه این فعالیتهای آشکار مبادرت نمی کردند. آنان شخصا به مسافرت نمی رفتند تا بتوانند بطور مستقیم و آشکار با پایگاههای مردمی خود تماس حاصل کنند. اما در مورد امام رضا(علیه السلام) مسئله امری طبیعی بود. زیرا درین مرحله پایگاههای مردمی بسیار شده بود و نفوذ مکتب امام علی(علیه السلام) از نظر روحی و فکری و اجتماعی در دل مسلمانان که با امام به طور آگاهانه و همیاری عمل میکردند افزایش یافته بود. اما حادثه ای روی داد: گروهی از یاران امام(علیه السلام) میان این تحول و دگرگونی ظاهری که



در خط پدران او بود، با شرایط و اوضاع جدید، نتوانستند رابطه ای برقرار کنند و ازین روی بود که اعتراضاتی به امام وارد می آوردند.

علاوه بر بحث و مناظره خود حضرت با گروهها و مکتبهای مختلف، مامون نیز در سیاست مزورانه ی خود علیه امام، توطئه های دیگری اندیشیده بود، او که از عظمت مقام معنوی امام در جامعه رنج می برد می کوشید با روبرو کردن دانشمندان با آن حضرت، و به بهانه ی بحث و مناظره ی علمی و استفاده از دانش امام، شکستی بر آن گرامی وارد سازد تا شاید بدین وسیله از محبوبیت او در جامعه بکاهد، و در نظر مردم امام را بیمایه و بیمقدار سازد، اما این خدعه و مکر مامون نتیجه یی جز افزایش عظمت امام و شرمساری مامون نداشت، و آفتاب دانش الهی امام در مجالس علمی چنان می درخشید که خفاش مزوری چون مامون را هر بار در آتش حسد کورتر می ساخت. «شیخ صدوق» فقیه و محدث بزرگوار شیعه که پیش از هزار سال پیش می زیسته است، می نویسد: «مامون از متکلمان گروههای مختلف و گمراه افرادی را دعوت می کرد، و حریص بر آن بود که آنان بر امام غلبه کنند، و این به جهت رشگ و حسدی بود که نسبت به امام در دل داشت، اما آن حضرت با کسی به بحث ننشست جز آنکه در پایان به فضیلت امام اعتراف کرد و به استدلال امام سر فرود آورد...».

#### فهرست منابع:

- بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۷۳، ح ۱۲،
- عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۱۷۸-۱۵۴
- اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام ص ۶۰۰ تا ۶۱۴
- سایت <https://fa.al-shia.org>